

واکاوی قیام عشایر لارستان در پانزده خرداد ۱۳۴۲

(با تکیه بر عشایر لُر و نفر)

هادی بیاتی^۱ / رسول احمدلو^۲

چکیده

قیام طوایف لُر و نفر از عشایر لارستان فارس به رهبری آیت‌الله آیت‌اللهی، جزء منحصربه‌فردترین رخدادهای تاریخ اولیه نهضت انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. آیت‌الله آیت‌اللهی در لارستان رهبری قیام عشایر لُر و نفر را برعهده گرفت و با دریافت پیام آیت‌الله خمینی، که قیام در برابر ظلم ظالم را واجب اعلام نموده بودند، تصمیم به متحد کردن عشایر فارس علیه دولت وقت نمود. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است که چه عواملی زمینه شکل‌گیری قیام عشایر لُر و نفر در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را فراهم نمود؟ و این قیام چه پیامدهایی را به دنبال داشت؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فتوای آیت‌الله خمینی و ارسال آن به علمای شهرستان‌ها زمینه قیام علیه دولت پهلوی را فراهم نمود. اما این قیام به دلیل عدم هماهنگی و آمادگی لازم عشایر لارستان به شکست انجامید و موجب سرکوب شدید عشایر لُر و نفر، اسکان اجباری آنان و تضعیف بنیة اقتصادی و فرهنگی مردم لارستان شد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد که از منابع تاریخی دست اول و اسناد و به‌ویژه تاریخ شفاهی بهره برده شده است.

واژه‌های کلیدی: قیام پانزده خرداد، لارستان، طوایف لُر و نفر، سید عبدالعلی آیت‌اللهی.

۱. استادیار تاریخ، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران. (نویسنده

H.bayati@umz.ac.ir

مسئول)

۲. دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران،

R.ahmadlu@gmail.com

ایران.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

Analysis of the uprising of Larestan tribes in 15 Khordad 1342 (Based on Lor and Nafar tribes)

Hadi Bayati¹ / Rasool Ahmadlu²

Abstract

The uprising of Lor tribes and some of the nomads of Lorestan, Fars, led by Ayatollah Ayatollahi, is considered one of the most unique events in the early history of the Islamic Revolution movement. Ayatollah Ayatollahi in Larestan led the uprising of Lor and Nafar tribesmen and after receiving the message of Ayatollah Khomeini who had declared the uprising against the oppression of the oppressor as obligatory, he decided to unite the tribes of Fars against the state. Therefore, this research seeks to answer these questions, what factors provided the basis for the formation of the uprising of the tribes of Lor and Nafar on 15 Khordad 1342 (5 June, 1963)? And what were the consequences of this uprising? The findings of the research indicate that Ayatollah Khomeini's fatwa and sending it to the scholars of the cities provided the basis for the uprising against the Pahlavi government. However, this uprising failed due to the lack of coordination and necessary preparation of the tribes of Larestan and caused severe repression of the tribes of Lor and Nafar, their forced resettlement, and the weakening of the economic and cultural structure of the people of Larestan. The method of the research is descriptive-analytical, which has been used first-hand historical sources and documents, especially oral history.

Keywords: 15 Khordad Uprising, Larestan, Lor and Nafar tribes, Seyyed Abdul Ali Ayatollahi.

1. Assistant Professor of History, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Author)
H.bayati@umz.ac.ir

2. PhD student of Iranian History after Islam, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. R.ahmadlu@gmail.com

Received date: 1401/09/04 Accepted date: 1401/10/25 Article type: research

مقدمه

در پی انتقادات روحانیت به اقدامات دولت اسدالله علم که از مهر ۱۳۴۱ آغاز شد، نارضایتی آنان به‌ویژه مراجع تقلید از حکومت، در سراسر ایران منتشر گردید. با تحریم عید نوروز از سوی مراجع تقلید، مأموران رژیم پهلوی در دوم فروردین ۱۳۴۲ به مدرسه فیضیه حمله کردند و به ضرب و شتم طلاب پرداختند تا به این ترتیب روحانیت را مرعوب ساخته از ادامه مخالفت باز دارند. این حادثه غم‌انگیز که در نوع خود بی‌نظیر بود، برخلاف انتظار حکومت موجب شد تا بخشی از روحانیان انقلابی بر شدت حملات خود به دولت بیفزایند و آیت‌الله خمینی که تا پیش از این نیز با لحنی صریح‌تر از سایر مراجع به حکومت انتقاد می‌نمود در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ در بیانیه‌ای که به بیانیه «شاه‌دوستی یعنی غارتگری» موسوم شد، در اظهار نظر فتواگونه‌ای تقيه را حرام اعلام کرد. این نظر انقلابی تأثیر زیادی بر نگرش و رفتارهای سیاسی گروه‌های مختلف داشت. ازجمله تأثیرات آنی این فتوا، قیام عشایر لارستان بود که در اواخر فروردین ۱۳۴۲ برپا شد و تا حدود یک سال ادامه یافت. درباره پیشینه تحقیق لازم به ذکر است که هیچ‌گونه تحقیقی درباره این قیام عشایری انجام نشده است. بنابراین تحقیق درباره نخستین عکس‌العمل عشایر لارستان در قبال فرمان آیت‌الله خمینی، میزان مشارکت روحانیت به‌ویژه عبدالعلی آیت‌اللهی در قیام عشایر لارستان و پیامدهای این قیام ضرورت ساماندهی این پژوهش را مشخص نمود. در کنار نو بودن تحقیق، مشکلات عدیده‌ای چون نبود مطالب کافی، پراکنده و گاه تک‌بعدی آن، به مشکلات تحقیق افزوده بود. به هر حال با وجود چنین مشکلاتی، هدف اصلی تحقیق ترسیم نمایی از قیام عشایر لارستان به رهبری عبدالعلی آیت‌اللهی و واکنش دولت پهلوی نسبت به این قیام می‌باشد.

پیشینه پژوهش

هرچند پژوهش‌های زیادی در مورد لارستان در دوره پهلوی، نظیر «زندگی و مبارزات آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی» از محمدباقر وثوقی (۱۳۸۶)، «وقایع ایلات خمسه» از علی‌محمد نجفی (۱۳۸۰)، «نهضت پانزده خرداد در استان فارس» از جلیل عرفان منش (۱۳۷۶)، «قیام عشایر جنوب (۱۳۴۳-۱۳۴۱) از کشواد سیاهپور (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی در شیراز» از منصور نصیری طبیبی (۱۳۹۳)، «تاریخ معاصر لارستان» از کاظم رحیمی‌نژاد (۱۳۹۳)، «تاریخ تحولات

ایل نفر (طایفه دولخانی، لر و نفر) در عصر پهلوی» از رسول احمدلو (۱۳۹۳) صورت گرفته که در آنها به مطالعه زندگی و مبارزات روحانیون و ایلات این منطقه نظیر ایل خمسه و شخصیت‌هایی چون آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی و تلاش‌های اجتماعی و فرهنگی ایشان و تحولات انقلاب اسلامی در این شهرستان مورد بررسی قرار گرفته است، اما در هیچ‌یک از پژوهش‌ها به صورت موردی به زمینه‌ها و پیامدهای قیام عشایر لر و نفر در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ اشاره‌ای نشده است. بنابراین پژوهشی مستقل که زمینه‌ها و علل قیام عشایر لر و نفر در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و پیامدهای این قیام را آشکار نماید، ضروری می‌نماید.

۱. طرح اصلاحات و نهضت آیت‌الله خمینی

ایران در نیمه دوم سال ۱۳۴۱ شاهد حوادث مهمی بوده است. در این دوره، جهان گرفتار جنگ سرد میان دو بلوک غرب و شرق به سردمداری آمریکا و شوروی بود. دولت آمریکا که به تدریج از شهریور ۱۳۲۰ و به‌ویژه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد بر امور دولت و کشور ایران مسلط شده بود، در این تاریخ، تحت ریاست جمهوری کندی قرار داشت. او معتقد بود حکام کشورهای جهان سومی وابسته به آمریکا و اروپا فاقد پایگاه اجتماعی هستند و اگر خود حکام مزبور در وضعیت اجتماعی این کشورها تغییراتی برای متعادل کردن ساختار اجتماعی آنها به وجود نیاورند، حکومت‌های این کشورها تحت فشار نارضایتی عمومی، سرنگون شده و حکومت‌های جانشین آنها به کشور شوروی می‌پیوندند. بدین گونه دولت آمریکا که فرایند استعمار، وابسته‌سازی و استحاله هویت دینی و ملی کشورهای اقمار خود را در معرض خطر انقلابات استقلال‌طلبانه مردمی می‌دید، «انقلاب از بالا» را برای این کشورها پیشنهاد کرد. کشور ایران هم یکی از کشورهای جهان سومی بود که رضاشاه و محمدرضا شاه مأموریت غربی‌سازی آن را برعهده داشتند و به علت بهره‌مندی از فرهنگ ستم‌ستیز اسلام و داشتن منابع طبیعی سرشار و موقعیت ممتاز در عرصه‌ی جغرافیای سیاسی جهان و به‌ویژه همسایگی آن با کشور شوروی، از مهم‌ترین آنان برای تغییرات موردنظر بوده است. شاه به‌منظور فراهم ساختن بسترهای لازم جهت اجرای اصلاحاتی که دولت آمریکا از ترس همه‌گیر شدن کمونیسم در کشورهای اقمار خود پیشنهاد داده بود، به باز نمودن فضای سیاسی کشور پرداخت و برای جلب اعتماد دولت آمریکا به نخست‌وزیری علی امینی تن داد. پس از مدتی شاه به شیوه خود مسئولیت اجرای اصلاحات را

برعهده گرفت، لذا امینی برکنار گردید و یکی از چهره‌های کاملاً وفادار شاه یعنی اسدالله علم بر منصب نخست‌وزیری نشست (آبادیان، ۱۳۸۷: ۲۳۰).

نقطه‌ی آغاز برنامه‌های اصلاحی، تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دولت اسدالله علم در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ بود. با این مصوبه، قید اسلام از شرایط رأی‌دهندگان و منتخبان حذف می‌شد و شرط سوگند به قرآن جای خود را به سوگند به کتاب آسمانی می‌داد. آیت‌الله خمینی این اقدام دولت را مقدمه‌ی برنامه‌های ضداسلامی رژیم دانسته و بلافاصله علمای طراز اول قم را به مشورت و تصمیم‌گیری دعوت کرد. ایشان همراه با تعداد دیگری از علما و مراجع با تشکیل جلسات متعدد و صدور بیانیه‌هایی این مصوبه را خلاف اسلام و قانون اساسی دانسته و طی تلگراف‌هایی به شاه و نخست‌وزیر مخالفت خود را اعلام و لغو مصوبه را خواستار شدند (دوانی، بی‌تا: ۱۵۳). از آنجا که بیانیه‌های مراجع چاپ و تکثیر شده و در اختیار مردم قرار می‌گرفت، علما و روحانیون با همراهی مردم در شهرهای مختلف به حرکت درآمده و به مخالفت با این اقدام دولت برخاستند (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۷۴). پافشاری علما و مراجع و اعتراضات مردمی باعث شد که علم در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۴۱ لغو مصوبه دولت را اعلام کند (دوانی، ۱۳۷۷: ۳/۲۱۶). دستاورد این نهضت برقراری ارتباط میان علمای قم و سایر مناطق ایران بود.

شاه با وجود شکست در جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی ناگزیر بود رفرم‌های دیگر را به‌رغم مخالفت‌های داخلی اجرا کند، بنابراین تصمیم گرفت برای پیش‌دستی و قرار دادن مخالفان در یک کار انجام‌شده، اصول شش‌گانه‌ای را به رفراندوم بگذارد. تغییرات اجتماعی-اقتصادی گسترده‌ای که خواه‌ناخواه در پی این تحول (که از سوی حکومت به انقلاب سفید موسوم شد) صورت می‌گرفت بسیاری از نیروهای سیاسی و رهبران مذهبی را به واکنش واداشت. آیت‌الله خمینی که با برگزاری رفراندوم مخالفت کرده بود، پس از برگزاری رفراندوم، مردم را برای ادامه‌ی مبارزه در برابر سیاست‌های ضداسلامی رژیم تشویق نمود. مخالفت‌ها با حکومت در تهران و قم به ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از روحانیان انجامید، لذا آیت‌الله خمینی به اتفاق تعداد دیگری از مراجع تقلید به‌عنوان مبارزه منفی، عید سال ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند. رژیم با هدف ارباب روحانیت تصمیم به خشونت علیه آنان گرفت. به این منظور روز دوم فروردین سال ۱۳۴۲ مصادف با سالروز شهادت امام صادق (ع) که محافل عزاداری در قم برپا شده بود، به مدرسه‌ی فیضیه حمله برده و تعدادی از روحانیون و طلاب و مردم را به‌شدت مورد

ضرب و شتم قرار داد به گونه‌ای که در این میان عده‌ای کشته شدند (روحانی، ۱۳۵۶: ۳۷۶). این حادثه سرآغازی برای علنی شدن مبارزه امام خمینی و بخش‌هایی از نیروهای مذهبی و مردم علیه رژیم گردید.

۲. جغرافیای تاریخی لارستان

منطقه لارستان که در جنوب شهرستان فارس قرار دارد، به دلیل نزدیکی با خلیج فارس و سواحل آن، دارای موقعیت تجاری و ترانزیتی بسیار خوبی است. بیشتر درآمد مردم آن از تجارت دریایی و تبادل کالا با نواحی مرکزی ایران است. در مورد وجه تسمیه این شهر باید اشاره کرد که کهن‌ترین نوشته‌ای که در آن از لار یاد شده است کارنامه اردشیر بابکان متعلق به دوره انوشیروان ساسانی است (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۹۵). در این کتاب نام لارستان به صورت «کلال» ضبط شده است (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۹۴-۱۸۶). طبری در کتاب تاریخ الرسل و الملوک به طور اجمال از لشکرکشی اردشیر بابکان به «آلار» صحبت نموده است (طبری، ۱۳۶۲: ۵۸۴/۲). مورخان قرون اولیه اسلامی مختلف به اشکال گوناگون از قبیل «کجاران»، «کلال»، «الار»، «یرانهستان» و غیره از لارستان نام برده‌اند (وصاف الحضرة، ۱۳۴۶: ۱۰۳؛ طبری، ۱۳۶۲: ۵۸۴/۲). حمدالله مستوفی در کتاب جغرافیایی نزهةالقلوب در مورد لار می‌نویسد: «لار ولایتی است نزدیک کنار دریا و مردم آنجا بیشتر تاجر باشند و سفر بر و بحر کنند و حاصلش غله و پنبه و اندکی خرما باشد و اعتماد کلی به باران دارند و مردم او مسلمان باشند» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۹). این منطقه در طول تاریخ نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی دوران داشته است. چنانچه در دوران مشروطه تلاش‌ها و مجاهدات افرادی چون سید عبدالحسین لاری تأثیر زیادی در به ثمر رسیدن مشروطیت داشت (ر.ک: وثوقی، ۱۳۸۳). به هر روی این منطقه پس از انقلاب مشروطیت به دنبال اعمال سیاست‌های ویژه عصر پهلوی نتوانست مقام سیاسی خویش را حفظ کند تا اینکه با شروع زمینه‌های انقلاب اسلامی از جمله در تحولات ۱۳۴۲ نقش آفرینی نمود. مهم‌ترین نیروهای عشایری منطقه‌ی لارستان در آن دوره عبارت بودند از: طایفه دولخانی، طایفه قائدی، طایفه یزدخواست، طایفه لُر و نفر. بر این اساس با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر فعالیت عشایر لُر و نفر است در مورد آنان باید اشاره کنیم که طایفه لُر و نفر در لارستان به صورت عشیره‌ای به طور متفرق ولی محدود زندگی می‌کردند که در حدود ۱۵۰ خانوار بوده و

تعداد تقریبی نفوس آنان ششصد نفر می‌باشد و سال‌های متمادی است که در منطقه صحرای باغ بین شهرستان لار و بستک سکنی گرفته و به زندگی عشایری و نیمه‌روستایی ادامه می‌دهند؛ به معنای خاص ایل بیلاق و قشلاق نمی‌نمایند و حداکثر فاصله که حرکت می‌کنند در کوهستان‌های مشرف به صحرای باغ و در حدود هشتاد کیلومتر طول و دوازده کیلومتر عرض می‌باشد. جز در هنگام تجاوز هیچ‌گاه واکنشی نشان نمی‌دهند، هر دو طایفه لُر و نفر شیعه بوده و به آقای آیت‌الله لاری اقتدا می‌کنند (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۲۴۳). در مورد شغل این دو طایفه آمده است: «کار اصلی افراد طایفه، دامداری، کشاورزی و قافله‌چی‌گری بوده است و عمدتاً به دلیل اینکه منطقه عماد ده در مسیر کالاهای وارده از بندر لنگه قرار داشت، این طایفه نیز مسکن خود را در همین ناحیه اختیار کرده بودند» (وثوقی، ۱۳۸۶: ۷۴).

۳. فتوای تاریخی امام خمینی و قیام عشایر لارستان

در پی حمله عمال رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه، در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ آیت‌الله خمینی در پاسخ به تلگراف روحانیون تهران اعلامیه‌ای صادر نمود که با عنوان «شاه‌دوستی یعنی غارتگری» شهرت یافت. در آن اعلامیه، ایشان با صراحت تمام حمله مأمورین نظامی با لباس مبدل به مرکز روحانیت را محکوم کرده و یادآور حمله مغول دانسته و چنین نوشت: «اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیّه حرام است و اظهار حقایق واجب و لو بَلَّغَ ما بَلَّغَ» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۸). با اوج‌گیری مبارزات و مخالفت‌ها علیه اقدامات رژیم، آیت‌الله خمینی طی ارسال پیام‌هایی به علمای شهرستان‌ها، از تمامی روحانیون و خطباء خواست تا مردم را از مقاصد و اهداف پنهانی رژیم آگاه نمایند. بیانیه‌های آیت‌الله خمینی و سایر علما در مدت زمان کوتاهی توسط شبکه‌های نیمه‌تشکیلاتی در شهرستان‌ها توزیع شد و روحانیون، آشکار و پنهان مواضع مراجع تقلید را در منابر و محافل اعلام و تشریح کردند (مراسان، ش. ب ۰۷۹۲۰۲۲). پس از دستگیری امام، سیدعبدالعلی آیت‌اللهی، همراه با روحانیون شیراز به تهران رفته و در جلسات آیات عظام مخصوصاً جلسات آیت‌الله میلانی که در منزلش برگزار می‌شد، شرکت فعالانه داشتند (وثوقی، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۵). پس از آزادی امام، آیت‌اللهی همراه روحانیون دیگر به شیراز بازگشتند و در مورد چگونگی ادامه مبارزه به بحث و گفت و گو پرداختند. آیت‌اللهی پس از بازگشت به لار، درصدد راه‌اندازی قیام عمومی در منطقه لارستان

علیه رژیم برآمد. وی ابتدا مخفیانه جلساتی با بزرگان و تجار لار تشکیل داده و قصد خود را اعلام کرد، اما تجار و مردم لار از دوره مشروطه و رضاشاه مبارزه‌های سختی با حکومت‌های وقت داشتند و چون این مبارزات به شکست منتهی شده بود و خاطره خوبی از قیام نداشتند و شرایط بسیار سختی بر مردم لار حکم فرما بود، لذا با این دلایل از همراهی آیت‌اللهی برای قیام خودداری نمودند (وثوقی، ۱۳۸۶: ۶۸). آیت‌اللهی که خود را موظف به همراهی با قیام امام می‌دانست، تصمیم گرفت قیام را با عشایر منطقه لارستان آغاز نماید، لذا حاج شاه میرزا دولخانی را نزد خود فراخواند و جزئیات قیام را به وی اعلام نمود و امر کرد که این تصمیم را به سران عشایر منطقه ابلاغ نماید. در این زمان اکثر عشایر در سراسر کشور حمایت و همراهی خود را از نهضت روحانیون و در رأس همه، آیت‌الله خمینی ابراز داشتند (مراسان ش. ب، ۱۳۸۶: ۵۱). در گزارشی از ساواک به تاریخ ۱۳۴۲/۲/۱ آمده است: «در دادگستری شایع گردیده که حدود هفتاد نفر از سران معروف عشایر ایران در نقاط مختلف کشور از آقای خمینی پشتیبانی کرده‌اند» (سیر مبارزات امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۷۲/۱).

ساواک از گسترش دامنه قیام به سایر شهرستان‌ها و نیز از پیوستن عشایر مسلح به نهضت، بیمناک بود. در این بین، حضور و تلاش‌های گسترده سید عبدالعلی آیت‌اللهی در منطقه لارستان در گسترش نهضت روحانیون و نیز جذب عشایر به امام خمینی تأثیر بسزایی داشت. در گزارشی به تاریخ ۱۳۴۲/۲/۲۹، ژاندارمری کل کشور به رئیس ساواک، از انتشار اعلامیه مورخ ۱۳۴۲/۱/۱۳ آیت‌الله خمینی، خطاب به مجتهدان لار، که به وسیله سید عبدالعلی موسوی، مجتهد لار پخش نموده و تحریک دو طایفه لر و نفر به وسیله حاج شاه میرزا دولخانی به دستور مجتهد مذکور و حاجی باقر حضوری واعظ لار صورت گرفته، هشدار داد و اعلام نمود که ممکن است ناامنی در راه‌ها ایجاد نمایند (عرفان‌منش، ۱۳۷۶: ۲۵۹-۲۵۸).

ارتباط با سران عشایر به وسیله مرحوم حاج شاه میرزا رئیس طایفه دولخانی که در آن ایام ساکن لار بودند، انجام پذیرفت (مراسان، ش. ب ۱۳۷۹: ۲۲). آقای محمد کریمی فرزند مرحوم شاه میرزا در این باره می‌گوید: «حضرت آیت‌اللهی از مرحوم پدرم خواسته بود تا بعضی نامه‌ها و اعلامیه‌ها را به عشایر منطقه برساند و از آنان برای قیام عمومی دعوت به عمل آورد... طوایف دولخانی و ایزدخواستی و لر و نفر حاضر به همراهی با حضرت آیت‌اللهی شدند» (مصاحبه با محمد کریمی، جلسه ۱۶، ش. ب ۱۴۲۹۷).

آیت‌اللهی در این مورد می‌گوید: «در آن ایام همه عشایر لارستان موافقت خود را اعلام کردند و حتی آقای محمد قائدی (رئیس طایفه قائدی در بیخه‌جات لامرد)، نیز حاضر شدند. با یک صد نفر چریک در این قیام شرکت کنند و بارها پیام فرستاد که من و طایفه‌ام حاضرم علیه دولت قیام کنیم» (مصاحبه با آیت‌الله سید عبدالعلی آیت‌اللهی، جلسه ۸، ش.ب ۱۴۲۹۸). آیت‌اللهی در این مقطع حساس با توجه به وضعیت عمومی شهر لار و عدم همراهی کامل تجار و با عنایت به این مسئله که ممکن است قیام با مشکلات بسیاری روبرو شود از این رو، درصدد کسب تکلیف از آیت‌الله خمینی و دیگر مراجع برآمد. سید عبدالرحیم طاهری نماینده‌ی آیت‌اللهی، به محض دریافت پیام از سوی ایشان برای ابلاغ آن به مراجع راهی قم شد. او پیام را به آیت‌الله خمینی و آیت‌الله شریعتمداری ابلاغ نموده و راجع به قیام از آنان کسب تکلیف نمود. امام خمینی، قیام در مقابل ظلم ظالم و ستم ستمکاران را بر عموم مسلمانان ایران واجب دانستند (مصاحبه با آیت‌الله سید محمدحسین نسابه، مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۰۸).

بنابراین آیت‌اللهی با این اقدام درصدد متعهد کردن عشایر و ایلات لارستان برای قیام همگانی علیه رژیم ستمگر پهلوی بود (مصاحبه با آیت‌الله آیت‌اللهی، جلسه اول ۱۴۲۹۴). او با توجه به شناختی که از موقعیت سیاسی و اجتماعی لارستان و سابقه‌ی قیام‌های پیشین داشت، تصمیم گرفت که با متحد کردن عشایر لارستان، قیام را نه در شهر، بلکه در مناطق عشایری جنوب فارس شکل دهد.

۴. قیام عشایر لُر و نفر

همان‌طور که ذکر شد طوایف (دولخانی، ایزدخواستی، قائدی و لُر و نفر) آمادگی خود را برای شرکت در قیام همگانی اعلام کردند و منتظر صدور فرمان آیت‌اللهی بودند. به این ترتیب، زمینه‌های قیام عمومی لارستان علیه دولت وقت آماده شد. آیت‌اللهی در اولین گام به بعضی از نزدیکان خود دستور داد تا اعلامیه‌های منتشرشده از طرف آیات عظام، علناً در مناظر و مجامع عمومی قرائت شود و همه مردم از آن مطلع شوند. وی در این مورد گفته است: «اعلامیه‌هایی که از قم و تهران به‌طور مخفیانه می‌رسید بعضی افراد و از جمله مرحوم سید عبدالرحیم طاهری و سید عبدالله شجاعان و یوسف اعتمادی مأمور شدند تا اعلامیه‌ها را در مجامع عمومی بخوانند» (مصاحبه با آیت‌الله آیت‌اللهی، جلسه اول، ۱۴۲۹۴). اما این اعلامیه‌ها در بین مردم تأثیر چندانی نداشت و

آنان به دلیل ترس از تکرار حوادث گذشته، تمایلی به همراهی با آیت‌اللهی نشان نمی‌دادند و در این شرایط تنها امید ایشان برای راه‌اندازی قیام، عشایر منطقه لارستان بود. طرح اولیه آیت‌اللهی این بود که وحدتی همگانی بین تیره‌ها و طوایف مختلف عشایر منطقه ایجاد کند و پس از سنجیدن و ارزیابی تمامی جوانب، قیام را علنی سازد و این امر به تدریج در حال شکل‌گیری بود که حادثه‌ای ناخواسته (قیام عشایر لر و نفر) سبب شد که قیام پیش از موعد آغاز شود (وثوقی، ۱۳۸۶: ۷۷). حرکت مسلحانه (طایفه لر و نفر) با انتشار اعلامیه‌ی امام در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ آغاز شد (هفته‌نامه میلاد لارستان، ۱۳۷۸: ۷). پیام امام خمینی، از طریق سید عبدالرحیم طاهری به منطقه آورده شده بود، توسط آیت‌اللهی به مردم لار و طوایف منطقه ابلاغ گردید. اللهیار بیگلری و منوچهر بیگلری به نمایندگی از طرف طایفه لر و نفر جهت اخذ نتیجه خدمت آیت‌اللهی رسیدند و پس از اطلاع از نظر آیت‌الله خمینی و دستور آیت‌اللهی برای قیام علیه ظلم به نزد طایفه خود برگشتند و شرح سفر خود را به رؤسای این طوایف دادند. رؤسای دو طایفه مذکور نیز با توجه به زمینه‌های قبلی و درگیری با نیروهای دولتی در منطقه و تلقی مثبت بودن نظرات روحانیون برای قیام، اولین درگیری مسلحانه و جدی خود را آغاز کردند (مصاحبه با غضنفر بیگلری مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۹).

در اولین اقدام چریک‌های نفر، مسیر عده‌ای از ژاندارم‌ها و مأمورین پاسگاه عماد ده - در نه کیلومتری لار - را مسدود نموده و ضمن زد و خورد، علی مفradی فرمانده پاسگاه، حسین دوستگر، عباس ششمی و ناصر سوار را به قتل رسانده و اسلحه‌های آنها را به یغما بردند (نجفی، ۱۳۸۰: ۶۱). در پی قتل چهار نفر ژاندارم توسط طوایف لر و نفر دستور تعقیب قاتلین توسط سرگرد آذر (معاون سازمان امنیتی استان هرمزگان) به سروان نجفداری صادر شد (هفته‌نامه میلاد لارستان، ۱۳۷۸: ۷). با توجه به اینکه در آغاز قیام، عشایر آمادگی لازم و کافی را نداشتند و پیش‌بینی آثار و تبعات آن را نکرده بودند، از همان ابتدا مشکلاتی وجود داشت ولی با وجود تمام این سختی‌ها و مشقات، مبارزه را ادامه دادند. از آنجایی که شروع حرکت طایفه لر و نفر بدون هماهنگی با دیگر عشایر انجام گرفته بود، شرایط حادی به وجود آمد که کنترل آن غیرممکن بود. با انتشار خبر کشته‌شدن نیروهای دولتی در منطقه، به دنبال این حادثه، اهالی لارستان با ارسال تلگرافی به مجلس خواستار مستقر نمودن پادگانی در شهر جدید و سرکوب یایگان برآمدند. با کشته‌شدن قوای دولتی، دولتمردان درصدد تدارک گسترده نیروی نظامی

برآمدند. هنگ ژاندارمری لار در تاریخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ در سه ستون به سمت کوه‌های منطقه برای تعقیب لُر و نفر حرکت کردند. یکی از ستون‌های نظامی اکپ سروان محمودی با کمک چریک‌های وابسته در تاریخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۹ در محلی به نام تنگ هون با افراد لُر و نفر درگیر شدند. در این درگیری از قوای دولتی علی منوچهری و سید اسماعیل حسینی کدخدای قلات کشته و دو تفنگچی دیگر مجروح گردیدند. از قیام‌کنندگان نیز نصیرخان و حیدر به شهادت رسیدند.

جنازه‌ی افراد دولتی کشته‌شده در جریان درگیری به مرکز شهر منتقل شد و برای تشییع جنازه آنان از سوی مقامات اداری برنامه‌ریزی صورت گرفت. فرماندار وقت لارستان، فردی به نام سالاری بود. وی ارادت خاصی به آیت‌اللهی داشت و در جریان تشییع جنازه‌ی نیروهای دولتی از وی تقاضا کرد که برای آنها نماز بخواند (وثوقی، ۱۳۸۶: ۷۹). آیت‌اللهی در این مورد می‌گوید: «فرماندار لارستان از آنجایی که می‌خواست مرا در این جریانات بی‌گناه جلوه دهد، توسط مرحوم سید صولت یگانه، پیامی فرستاد که من بر جنازه‌ی کشته‌شدگان نماز بخوانم. من هم به‌شدت عصبانی شدم و با دادوفریاد مخالفت خود را اعلام کردم» (مصاحبه با آیت‌الله سید عبدالعلی آیت‌اللهی، ش ب ۱۴۲۹۰). آیت‌اللهی با این اقدام جنبش طوایف لُر و نفر را تأیید کرد و خود را در مظان مستقیم اتهام رهبری قیام قرار داد.

۵. تجسس نظامی و تعقیب عشایر لُر و نفر

با علنی شدن اخبار کشته‌شدن نیروهای دولتی در منطقه و انتشار سریع اخبار به مرکز، به دستور و اوامر محمدرضا پهلوی، دولتمردان درصدد تدارک گسترده‌ی نیروی نظامی برآمدند. در همان حال، فشارهای سیاسی و روانی بر آیت‌اللهی آغاز شد و ایشان از طرق گوناگون مورد تهدید قرار گرفت. از آنجایی که آیت‌اللهی از مجتهدین مسلم منطقه محسوب می‌شد و مردم لارستان و مناطق جنوب ایران، عشق و علاقه خاصی به او داشتند و حتی حاضر به فدا شدن در راه اوامر وی بودند، دولتمردان امکان مقابله‌ی مستقیم با ایشان را نداشتند و نمی‌توانستند نسبت به بازداشت یا تبعید وی اقدام کنند. از این رو از طرق مختلف درصدد ایجاد فشار برآمده تا از این طریق، شواهد و دلایل قطعی دخالت او در قیام را به دست آورند. از این رو در وهله اول عده‌ای را با

عنوان جاسوس در کنار آیت‌اللهی قرار دادند تا گزارش کاملی از افرادی را که با ایشان در ارتباط هستند به مسئولین امنیتی اطلاع دهند (وثوقی، ۱۳۸۶: ۸۰).

با وخیم شدن اوضاع و فشار همه‌جانبه‌ای که مبارزان لر و نفر متحمل گردیده بودند و با این احساس که نظامیان قصد دارند خانواده‌هایشان را به مناطق دوردست کوچ دهند، شبانه خانواده‌های خود را از دسترس نظامیان خارج کردند. بعضی از خانواده‌های لر و نفر که توانایی همراهی قیام‌کنندگان را نداشتند، در صحرای باغ باقی ماندند. فرمانده گردان ژاندارمری لارستان طی گزارشی به مقامات بالا درباره این عده می‌نویسد: «با تجسس‌هایی که به عمل آمده فعلاً سارقین در صحرای باغ نمی‌باشند؛ ولی برای اینکه نسبت به سارقین و کلیه اشراری که در منطقه صحرای باغ سکونت داشته و سال‌های متمادی به شغل راهزنی و جنایت مشغول بوده توفیقی نصیب اینجانب و مأمورین شود، چنین به نظر می‌رسد جمع‌آوری کلیه چادرهای طایفه لر و نفر در مجاورت پاسگاه باغ و تحت نظر قرار دادن آنان به‌منظور جلوگیری از ارتباط سارقین با خانواده و تهیه ارزاق روزانه، به‌سختی دچار مضیقه شده و صد درصد اطمینان می‌دهد که به‌این‌ترتیب اشرار و سارقین منطقه صحرای باغ دستشان کوتاه شده و خواهی‌نخواهی ممکن است عده‌ای از آنها تقاضای اخذ تأمین نمایند و عده‌ی دیگر که حاضر نشوند تسلیم مقررات و قانون دولت بشوند، به آسانی به چنگال مأمورین تعقیب افتاده و تکلیف آنان از نظر قلع و قمع یا دستگیری معلوم خواهد شد» (ساکما، ش. ب ۳۵۰۰۰۴۹۹). بر این اساس، خانوارهای لر و نفر باقی‌مانده در صحرای باغ به عماد ده کوچانده شدند و تحت نظر قوای دولتی قرار گرفتند. روزنامه اطلاعات درباره خانوارهای لر و نفر که در این چادره اسکان داده شدند می‌نویسد: با افراد خانواده‌های «لر و نفر» که در چادرهای عشایری زندگی می‌کنند، کمک‌های لازم از جهت تأمین آذوقه و لباس و سایر مایحتاج زندگی به عمل آمده و اقداماتی صورت گرفته است، تا سایر افراد این دو طایفه که تحت تأثیر سخنان سوء قرار نگرفته و به کارهای کشاورزی مشغول شوند (اطلاعات، ش ۱۳۹۹، دهم خرداد ماه ۱۳۴۳: ۱۴). سرگرد آذر که برای فرماندهی عملیات به لار منتقل شده بود بیشترین فشارهای روانی و سیاسی را به آیت‌اللهی وارد نمود. او اولین اقدام خود را علیه بازماندگان نیروهای متواری طوایف لر و نفر به انجام رسانید و زنان و فرزندان و پیرمردان این طایفه را به اشکال مختلف مورد شکنجه و آزار قرار داد (وثوقی، ۱۳۸۶: ۸۱).

با دامنه‌دار شدن آزار و اذیت نسبت به عشایر لُر و نفر عده‌ای از این عشایر مخفیانه به نزد آیت‌اللهی رفته و از ظلم و شکنجه و آزار و هتک حرمت شدید سرگرد آذر و ژاندارمری به زنان و کودکان شکایت کرده و از حضرت تقاضا می‌کنند به هر شکل ممکن از آنان حمایت شود (مصاحبه با آیت‌الله سید عبدالعلی آیت‌اللهی، جلسه ۱۸، ش. ب. ۱۳۳۲۳).

اقدامات ظالمانه سرگرد آذر و مراجعات و زحمت‌های گاه و بیگاه او نسبت به آیت‌اللهی باعث خشم مردم شد و عده‌ای از جوانان شهر برای تنبیه او داوطلب شدند و حتی درصدد آتش‌زدن خودروی نظامی او برآمدند که با ممانعت آیت‌اللهی روبه‌رو شدند. ایشان در آن مقطع حساس، بحرانی‌تر شدن اوضاع را به صلاح نمی‌دانست از این‌رو جوانان را از اقدامات علیه سرگرد آذر منع کرد و از طرفی برای جلوگیری از اعمال ظالمانه این مقام امنیتی درصدد اقدام جدی برآمد. وی تعدادی از بزرگان شهر را دعوت و با توضیح اقدامات سرگرد آذر به آنان توصیه کرد، بایستی وی را از عواقب کارش مطلع ساخته و او را بترسانند. در پی آن جلسه‌ای با حضور سرگرد آذر در منزل ایشان برگزار شد. در این جلسه سرگرد آذر شروع به پرخاش کرد و شدیداً نسبت به حمایت از عشایر هشدار داد. در این زمان آیت‌اللهی با عصبانیت گفت: «اگر دستم هم قطع شود، حاضر نیستم کاری کنم که سران لُر و نفر تسلیم دولت شوند» (همان). اقدام مؤثر آیت‌اللهی در ترساندن این مأمور امنیتی و اصرار و پافشاری ایشان برای عدم‌مداخله در امر تسلیم سران طایفه‌ی لُر و نفر و حمایت بی‌دریغ سران لار از آیت‌اللهی موجب شد تا دولتمردان و سیاستمداران وقت، راه‌های دیگری برای حل بحران در پیش بگیرند.

هم‌زمان با این رویدادها قیام‌های عشایر کوهمره سرخی و قشقایی در فارس به وقوع پیوست. در این شرایط آیت‌اللهی طی نامه‌ای که به امضای دو تن دیگر از روحانیون لارستان به نام‌های شیخ عبدالحسین نوروزی و شیخ غلامرضا رحمانی رسیده بود، خطاب به آیت‌الله شیخ بهاءالدین، حمایت قطعی خود را از قیام فارس به رهبری ایشان اعلام کرد و اراده راسخ خود را برای مقابله و مبارزه با ظلم دولت را نشان داد. فرماندهان نظامی فارس که توان مقابله با نیروهای نظامی طایفه‌ی لُر و نفر را نداشتند و از ادامه‌ی قیام به‌شدت وحشت داشتند، آخرین تلاش خود را برای جلب رضایت آیت‌اللهی برای تسلیم سران لُر و نفر از طریق وساطت ایشان به کار بردند. آیت‌اللهی در این مورد آورده است: «در یک شب تابستان دو نفر از فرماندهان نظامی که یکی از آنان درجه سرهنگی داشت به منزل آمدند و... سرهنگ نظامی گفت که به حضرت زهرا

(س) قسم می‌خورم که ما می‌خواهیم جریان را به‌طور مسالمت‌آمیز فیصله پیدا کند و نظر اعلیحضرت هم همین است و از حضرت‌عالی خواهش داریم که وساطت کنید تا سران لُر و نفر تسلیم شوند و دولت هم تعهد می‌کند که به آنان امان دهد» (مصاحبه آیت‌اللهی، جلسه ۱۸، ش. ب ۱۳۳۲۳).

آیت‌اللهی با همه‌ی فشارها و تضییقاتی که از اطراف نیروهای امنیتی و نظامی بر ایشان می‌شد، تسلیم خواسته نظامیان نشد و حکومت وقت ناگزیر در اندیشه اجرای نقشه‌های جدید برآمده از این رو تیمسار سپهبد مالک (فرمانده ژاندارمری کل کشور)، تیمسار سرلشکر اردوبادی را مأمور قلع‌و‌قمع قیام‌کنندگان کرد. ستاد بزرگ‌ارتشتاران در این باره می‌نویسد: «اوامر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه در جهت ایجاد امنیت در منطقه لارستان صادر شده است. ژاندارمری کل کشور در اجرای منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ‌ارتشتاران برای ریشه‌کن ساختن اشرار لُر و نفر که سال‌ها منطقه لارستان را دچار وحشت کرده بودند با توجه به موقعیت جغرافیائی آن منطقه و روش اشرار موردبحث، پس از یک سلسله بررسی‌ها به تیمسار سرلشکر اردوبادی فرمانده ناحیه ژاندارمری فارس دستور تعقیب اشرار لُر و نفر صادر کرد» (اطلاعات، ش ۱۴۰۰، ۱۱ خرداد ۱۳۴۳: ۱۶). سرلشکر اردوبادی ابتدا سرهنگ اشرفی، معاون خویش را به همراه نیروهای ژاندارمری و با کمک نظامیان تیپ ۲۳ شیراز برای ختم غائله تیره‌های لُر و نفر، به‌سوی لار و صحرای باغ روانه کرد و سپس با تهدید و فشارهای سیاسی و روانی بر آیت‌اللهی اجازه هیچ‌گونه رابطه‌ای با قیام‌کنندگان را به وی نداد (مصاحبه با منوچهر بیگلری، ش. ب ۱۲۱۴۳). گروهی از خانواده‌های لُر و نفر به رهبری زیاد خان و رستم خان سر تسلیم فرو نیاورده و با دریافت خبرهای ضدونقیض مبنی بر اینکه بهمن‌خان قشقایی از جانب ناصر خان قشقایی در نواحی شمالی لارستان درصدد شکل‌دهی قیامی عظیم علیه رژیم پهلوی است؛ یاغی‌وار به آن منطقه حرکت کردند اما با بی‌اعتنایی بهمن‌خان به طایفه لُر و نفر، آنها به سمت خنج رفته و در حدود فدویه و گرمشت از توابع خنج لارستان مستقر شدند (بهروز، ۱۳۸۳: ۹۰-۹۱).

با تشدید مبارزات از اواخر فروردین تا اواسط اردیبهشت، عده‌ای از مبارزین با وساطت کریم کشاورز بدون قید و شرط به‌تدریج تسلیم نظامیان شدند و از معرکه مبارزه کناره جستند. سرهنگ اشرفی در ملاقات با تسلیم‌شدگان و پرداخت مبلغ صد تومان به آنان، یدالله فولادی را

نزد سران لُر و نفر «زیاد خان و رستم خان» فرستاد که با تسلیم شدن، همه گونه امکانات در اختیار آنها قرار خواهد گرفت و خانواده هایشان نیز از هر لحاظ تأمین خواهند شد، شرایط تسلیم شدنشان را فراهم آورد. یدالله فولادی در این باره می گوید: «از جانب سرهنگ اشرفی مأمور مذاکره با رهبران قیام شدم. در ملاقات با زیادخان و رستم خان به آنها اطلاع دادم که قوای دولتی درصدد قلع و قمع قیام کنندگان هستند یا خود را تسلیم کنید یا هرچه زودتر محل را ترک نموده و در جای دیگر اتراق نمایید. زیاد خان با رد شرایط مذاکره با سرهنگ اشرفی، تغییر جا و مکان را در آن شرایط غیرممکن دانست و خود را آماده هرگونه مخاطره احتمالی کرد» (مصاحبه نگارنده با یدالله فولادی، جلسه اول، مورخه ۱۳۹۱/۵/۲۳). با تسلیم شدن ده تن از مبارزین و انتقال آنان به هنگ ژاندارمری لارستان، زاهدی فرمانده هنگ لار با تحت شکنجه قرار دادن، آنها را مجبور به افشای اسرار این قیام می کند، زاهدی در این بازجویی از تسلیم شدگان موارد زیر را خواستار شد: چه کسی شما را وادار و تحریک به این قیام کرده و راهنما، هدف و نیت شما از این کار چیست و باعث اصلی این قیام کیست. تسلیم شدگان با این ذهنیت که اگر ماهیت قیام را افشا کنند خیانت به حضرت آیت اللهی نموده اند، از افشای اسرار قیام خودداری نمودند (مصاحبه نگارنده با یدالله فولادی، جلسه دوم، مورخه ۱۳۹۱/۰۶/۰۱).

۶. فرجام قیام

عملیات نظامی علیه سایر مبارزین طوایف لُر و نفر از پانزدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ آغاز گردید. فرمانده نیروهای نظامی «سرهنگ ناصر اشرفی» با نیرنگ و تزویر درصدد نزدیک شدن به پناهگاه افراد ایل برآمد. فرمانده نظامی با وساطت عده ای و درنهایت با مهر کردن قرآن و سوگند خوردن، اظهار کرد اگر کلیه افراد به نیروهای دولتی تسلیم شوند از اعدام و محاکمه آنان ممانعت می شود و آنان را به وسیله هلیکوپتر به مناطق محل اُتراق ایل برگردانند (مصاحبه با اسماعیل بیگلری، جلسه اول، مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۸).

وی با وساطت داریوش قشقایی فرزند سهراب خان قشقایی و برادر بهمن قشقایی و با مهر کردن قرآن و سوگند خوردن مبنی بر اینکه اگر کلیه افراد به نیروهای دولتی تسلیم شوند از اعدام و محاکمه آنان ممانعت می کند. با چند بار مراوده و گفت و گوی او با سران ایل در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه دو نفر از جوانان لُر و نفر به نام های لهراسب و صمصام فرزندان زیاد خان و رستم

خان تسلیم شدند و سرهنگ اشرفی آنان را دوستانه با خود به هنگ ژاندارمری لارستان و ناحیه شیراز برده و پس از چند روز مهمانی و ملبس کردن آنان به لباس‌های نو و مهربانی‌های کاذب، ضمن گفت‌وگو با آنان بخشی از اسرار ایل را کشف می‌کند. پس از چند دور مذاکره، سران لُر و نفر تقاضا می‌کنند که اگر لهراسب و صمصام فرزندان‌شان را به آنها برگردانند، اطمینان حاصل کرده و تسلیم خواهند شد. با موافقت فرماندهی شیراز این دو نفر را به وسیله‌ی هلی‌کوپتر و پرواز روی مناطق محل اتراق ایل به مقر ایل برمی‌گرداند. سرهنگ اشرفی با این اقدام هم به موقعیت مکانی استقرار ایل پی برده و هم توانست اعتماد نسبی آنان را جلب کند. نیرنگ و تزویر او کارساز شد و سران ایل بدون دغدغه و نگرانی و در کمال آرامش به کار و زندگی روزمره خود پرداختند و به‌طور کلی از نیروهای دولتی و حمله احتمالی آنان به خود غافل شدند. با موافقت فرماندهی ستون و با بازگشت لهراسب و صمصام نزد خانواده خود، سران لُر و نفر خواهان فرصت یک ماه گشتند تا تسلیم شوند، اما این مهلت به این دلیل اینکه قصد وقت‌گذرانی و اغفال نظامیان را دارند، به آنها داده نشد. نیروهای دولتی پس از اطلاع کامل از محل استقرار ایل و مستقر ساختن نیروهای نظامی و هوایی سرانجام در سحرگاه روز ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۳ ش/۷ محرم سال ۱۳۸۴ ق. با چهار ستون عملیاتی به طرف محل اتراق ایل حرکت کرده و با انواع سلاح‌های مجهز و مدرن تیربار و خمپاره‌انداز، محل استقرار مردان و زنان و کودکان لُر و نفر را محاصره و زیر آتش شدید گرفتند. در این هجوم بی‌رحمانه، با توجه به غفلت و بی‌اطلاعی افراد از حمله نیروهای دولتی، نفرت طایفه لُر و نفر امکان هیچ گونه مقابله‌ای را نداشتند و تعداد زیادی از آنان در این «سحرگاه خونین»، بر اثر اصابت گلوله‌های توپ و خمپاره ده‌ها تن از مردان، زنان و کودکان لُر و نفر در خون خویش خفته از بین رفتند (مراسان، ش. ب ۰۰۷۹۲۰۲۳).

آیت‌اللهی که در این ایام در شیراز به سر می‌برد، در این باره می‌گوید: «بزرگسالان و خردسالان و مرد و زن را شهید کردند و خانواده آنان را اسیر کردند و برای نمایش به لار آورده و عده‌ای دیگر را چنان که می‌گویند، به نام مریض بودن به وسیله سوزن زدن و غیره از بین بردند» (وثوقی، ۱۳۸۶: ۸۷؛ ر.ک: مراسان، ش. ب ۰۰۷۹۲۰۲۲).

به دنبال قتل عام فجیع مردان، زنان و کودکان تیره‌های لُر و نفر، گروه‌های وابسته به دولت پهلوی با ارسال تلگرافی به مجلس به تمجید از قتل عام طوایف لُر و نفر پرداختند و با عناوین و عبارات زنده‌ای چون «اشرار طوایف لُر و نفر»، «جنایت کاران غارتگر و قاتلین سفاک» از این

قیام یاد کرده‌اند که نشان از دشمنی و نفرت دولتیان از این قیام دارد (مراسان، ش. ب ۰۷۹۲۰۲۴؛ سیاهپور، ۱۳۸۸: ۵۴۷). روزنامه اطلاعات در روز شنبه دوم خرداد می‌نویسد: «اشارار لارستان به وسیله ژاندارمری قلع و قمع شدند» (اطلاعات، ش ۱۳۹۳، شنبه دوم خرداد ۱۳۴۳: ۳۸). این روزنامه در یکشنبه دهم خرداد ماه ۱۳۴۳ نیز بخش دیگری از مطالب خود را به سرکوب عشایر لارستان اختصاص داده است (اطلاعات، ش ۱۳۹۴، یکشنبه دهم خرداد ۱۳۴۳: ۵). پس از سرکوب طایفه لُر و نفر، چهار نفر افسر و سی نفر از افراد ژاندارم و نگهبان که در غائله لار موفق به سرکوبی قیام‌کنندگان لُر و نفر شده بودند، به پیشنهاد تیمسار سپهبد مالک فرمانده ژاندارمری کل کشور برای دادن نشان لیاقت به تهران دعوت شدند. این گروه از شیراز وارد اصفهان شده و مورد استقبال سرهنگ فراست فرمانده ژاندارمری اصفهان و عده زیادی از افسران ژاندارمری قرار گرفتند. در ضیافت شامی که به افتخار آنان در باشگاه افسران ترتیب داده شده بود، تیمسار سرتیپ رستگار نامدار فرمانده مرکز توپخانه اصفهان سخنانی در رابطه با پایان دادن به غائله لار ارائه نمود. پس از ورود ژاندارم‌ها به تهران محمدرضا پهلوی، به پیشنهاد تیمسار سپهبد مالک، فرمانده ژاندارمری کل کشور به افسرانی که در این جریان حضور داشتند، نشان لیاقت اعطا کرد (اطلاعات، ش ۱۳۹۳، شنبه دوم خرداد ۱۳۴۳: ۳۸).

۷. پیامدهای قیام

۷-۱- اسکان عشایر لُر و نفر

تیمسار سپهبد مالک فرمانده ژاندارمری کل کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی که پنج روز پس از این فاجعه برگزار شد، ضمن ارائه گزارشی از موقعیت محلی لُر و نفر و درگیری‌های به‌وجودآمده و چگونگی سرکوب این قیام، درباره اسکان این عشایر به خبرنگاران می‌گوید: در مورد اسکان این طایفه که در حدود ۱۵۰ خانوار ششصد نفری هستند، اوامر مبارک شاهنشاه دایر به اسکان و تهیه وسیله چاه آب و وام کشاورزی برای آنها در منطقه مناسبی در فارس دور از منطقه لارستان صادر گردید که در دست اقدام است (ساکما، ش. ب ۲۲۰۱۲۲۰۲).

سازمان برنامه با پی‌گیری‌های پیرنیا استاندار فارس و به دستور محمدرضا شاه پهلوی مأمور اجرای طرحی با عنوان اسکان عشایر لُر و نفر حوزه لارستان در دودج‌آباد گردید. اما این طرح به‌دلیل مشکلات فراوان به سرانجامی نرسید. در این بخش به بررسی اسکان عشایر لُر و نفر و

دلایل به نتیجه نرسیدن این طرح بر اساس اسناد به‌جای‌مانده از سازمان برنامه و بودجه رژیم پهلوی می‌پردازیم (ساکما، ش. ب ۲۲۰۰۱۲۲۰۴).

پیرنیا در خاطرات خود درباره طرح اسکان عشایر لر و نفر می‌نویسد: «پس از بازگشت به شیراز درخواست کمک برای بازماندگان کسانی که کشته شده‌اند، کردم و به‌ویژه با پافشاری بسیار خواستم اعتباری برای ایجاد یک دهکده در صحرای باغ، یک آموزشگاه و دیگر وسیله‌های زندگی منظور شود» (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۲۴۵). در طرح پیرنیا اسکان عشایر لر و نفر می‌بایستی در حوزه صحرای باغ انجام می‌گرفت؛ اما به دستور محمدرضا شاه این طرح می‌بایست دور از منطقه لارستان و در منطقه دیگری از فارس و در دودج‌آباد انجام گیرد.

وزارت آبادانی و مسکن، مجری طرح اسکان عشایر لر و نفر در منطقه دودج‌آباد، بودجه اختصاص‌یافته برای اجرای این طرح را در صورت‌جلسه مورخه ۱۳۴۳/۳/۱۱، ۲۸۷۵۶۰۰۰ ریال و مدت اجرای طرح پیشنهادی را از تاریخ ابلاغ طرح هیجده ماه پیش‌بینی کرده بود (ساکما، ش. ب ۲۲۰۰۱۲۲۰۲).

اولین اقدام سازمان برنامه در رابطه با اسکان عشایر لر و نفر تشکیل جلسات مختلف برای تصویب بودجه‌های اختصاص‌یافته برای این طرح بود. در این خصوص سازمان برنامه در تاریخ‌های ۴۳/۷/۲۳ و ۱۳۴۳/۹/۱۰ جلساتی برگزار نمود و در تاریخ ۱۳۴۳/۹/۱۶ مبلغ یک‌میلیون ریال اعتبار برای طرح اسکان طایفه لر و نفر به‌صورت علی‌الحساب به تصویب هیئت عامل برنامه رساند. سازمان برنامه همچنین در تاریخ ۱۳۴۳/۱۱/۲۱ طرح اسکان عشایر لر و نفر بخشی از بند ۹ فصل اول برنامه عمرانی سوم به مبلغ ۷۵۶،۰۰۰ ریال جهت تصویب به هیئت عامل برنامه ارسال نمود و اجرای این طرح را مشروط بر روشن شدن مسئله آب منطقه (که پس از بررسی به تأیید سازمان برنامه برسد) قابل اجرا باشد، دانست. در تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۱۱ طرح اسکان عشایر لر و نفر به تصویب رسید و چون طرح مزبور در اسفند ۱۳۴۳ به تصویب رسید به علت کمی وقت نسبت به اجرای آن اقدامی صورت نگرفت (ساکما، ش. ب ۲۲۰۰۱۲۲۰۳).

صفی‌اصفیه مدیرعامل سازمان برنامه طی گزارشی به هیئت عامل برنامه اعلام نمود: به‌طوری‌که استحضار دارند در تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۱۱ طرحی تحت عنوان اسکان عشایر لر و نفر در لارستان به تصویب رسید که مدت اجرای آن هجده ماه تعیین شده بود- چون طرح مزبور در اسفند ۱۳۴۳ به تصویب رسیده، به علت کمی وقت نسبت به اجرای آن اقدامی صورت نگرفته است.

خواهشمند است موافقت فرمایید که طبق اجزاء متشکله طرح مندرج در گزارش توجیهی اجرای طرح تا پایان سال ۱۳۴۴ ادامه یابد و از اعتبار پیش‌بینی‌شده برای سال ۱۳۴۴ نیز استفاده شود. با این شرایط اجرای طرح اسکان عشایر لر و نفر به دلیل ۱- معلوم نبودن مشخصات محل اسکان از نظر مساحت زمین، نامشخص بودن کشت آن، وضع منابع آبی و شرایط مالکیت. ۲- اقتصادی نبودن طرح حتی با توجه به شرایط استثنائی انتظامی و اجتماعی منطقه. ۳- از نظر اجتماعی چگونه یک طایفه عشیره‌نشین که ابتدایی‌ترین شرایط زراعی واقف نیست، در عرض یک سال تبدیل به پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین واحد کشاورزی شود. ۴- منفی بودن نتیجه آزمایش چاه آب در دودج‌آباد لغو گردید و سازمان برنامه از هیئت عامل برنامه خواست تا طرح اسکان عشایر در صحرای باغ انجام گیرد (ساکما، ش. ب ۲۲۰۳/۱۲۲۰۰).

بنا به پیشنهاد وزیر آبادانی و مسکن و تصویب مورخ ۱۳۴۴/۴/۱ هیئت عامل، برنامه اجرای طرح را به پیرنیا، استاندار فارس واگذار نمود و مدت طرح نیز تا پایان سال ۱۳۴۴ ادامه یافت. مهم‌ترین اقدامات پیرنیا برای بازماندگان طوایف لر و نفر با پرداخت مستمری، ایجاد یک دهکده در صحرای باغ و یک آموزشگاه و دیگر وسیله‌های زندگی برای بازماندگان لر و نفر و همچنین بازپس‌گیری زمین‌های کشاورزی از دست‌رفته لر و نفر بود (ساکما، ش. ب ۲۲۰۳/۱۲۲۰۰).

۷-۲- تضعیف بنیة اقتصادی لارستان

با پایان گرفتن نهضت ۱۵ خرداد و سرکوب وحشیانه‌ی طوایف لر و نفر در منطقه لارستان، رژیم پهلوی با پی‌بردن به رهبری قیام توسط آیت‌اللهی، چون امکان مقابله‌ی مستقیم و شدت عمل نسبت به وی را نداشتند، دولتمردان وقت بهتر دیدند وجود ایشان را در شرایط فعلی زمان و با تمام فعالیت‌های سیاسی ایشان تحمل کنند و علیه وی اقدام مستقیمی نکنند، لذا سیاست ویژه‌ای را در دستور کار خود قرار دادند تا بتواند مشکلات احتمالی آینده را از پیش رو بردارند. اصول اساسی این سیاست بر محورهای زیر استوار بود:

الف) تداوم محرومیت اقتصادی و اجتماعی در منطقه لارستان و عدم توجه کافی به شرایط معیشتی و اقتصادی و این سیاست تا پیروزی انقلاب اسلامی تداوم یافت.

ب) بی‌توجهی به وضعیت راه‌های ارتباطی به‌ویژه راه‌های لارستان تا از این طریق امکان مراودت اجتماعی و اقتصادی در منطقه به حداقل خود کاهش یابد و تضعیف ارتباط به کاهش قدرت اقتصادی و اجتماعی لارستان منجر شود.

ج) تشویق و ترغیب عشایر منطقه به مهاجرت از لارستان و به وجود آوردن شرایط حاد سیاسی جهت جلوگیری از فعالیت‌های معیشتی آنان (مراسان، ش. ب ۰۰۷۹۲۰۲۴).

۳-۶- تضعیف بنیة فرهنگی لارستان

به‌وجود آوردن زمینه‌های ایجاد فساد اخلاقی در منطقه از طریق گسترش مراکز ضد دینی و قرار دادن لارستان جزو تبعیدگاه‌ها در جنوب و اعزام مأمورین امنیتی و سیاسی تبعیدی به لار، محور اصلی سیاست‌های پهلوی دوم در منطقه لارستان پس از رویدادهای سال ۱۳۴۲ بود. حضرت آیت‌اللهی با اطلاع از این اقدامات به سیاست تقویت مبانی دینی در منطقه لارستان و حفظ فرهنگی مذهبی و تشویق مردم به تداوم روحیه دینی و ایثار توجه کرده و اصل حفظ وحدت تسنن و تشیع را بیش‌ازپیش مدنظر قرار دادند. در همان حال، متوجه خطر گسترش فساد در لار و مضرات آن بوده و تلاش گسترده‌ای را برای مهار آن به کار برد (وثوقی، ۱۳۸۶: ۱۰۸). همچنین تبلیغات منفی علیه این دو طایفه بسیار وسیع و گسترده بود و قبل از انقلاب در تنگنا و تحت مراقبت بودند به‌طوری‌که شهدای لُر و نفر به‌عنوان خیانت‌کار معرفی می‌شدند. بعد از انقلاب اسلامی مردم لار قبور شهدای طوایف لُر و نفر را سروسامان دادند. با انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ آیت‌الله خلخالی درصدد دستگیری عاملان این واقعه و مجازات آنان برآمد اما با فرار سرهنگ اشرفی به اروپا این اقدام نیز بی‌نتیجه ماند (خلخالی، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

نتیجه‌گیری

قیام پانزده خرداد بزرگ‌ترین تحول در دهه ۱۳۴۰ بود که بسیاری از توده‌های مردم را به صحنه مبارزه علیه رژیم سوق داد و شهرهای وسیعی از کشور را دربر گرفت. مبارزات نیروهای مذهبی در این قیام فصل نوینی را در روند رخدادهای ایران معاصر گشود که این نیروهای مذهبی پس از سال‌های نخستین دهه‌ی ۱۳۴۰ به‌عنوان رهبران این قیام در برابر شاه ایستادند. لذا قیام طوایف لُر و نفر از عشایر لارستان فارس به رهبری آیت‌الله آیت‌اللهی، از منحصربه‌فردترین رخدادهای تاریخ اولیه نهضت اسلامی محسوب می‌شود. آیت‌الله آیت‌اللهی در لارستان رهبری قیام پانزده

خرداد را برعهده گرفت و با دریافت پیام آیت‌الله خمینی به این مضمون که، قیام در برابر ظلم ظالم واجب است، تصمیم به متحد کردن عشایر فارس علیه دولت وقت نمود. تمام عشایر جنوبی فارس شامل طوایف یزدخواستی، قائدی، دولخانی و طوایف لُر و نفر آمادگی خود را جهت شرکت در این قیام همگانی اعلام کردند؛ اما به علت اقدام زود هنگام و بدون هماهنگی طوایف لُر و نفر با سایر عشایر، جریان قیام به مسیر دیگری تغییر یافت که به شکست و کشته شدن افراد زیادی از این طایفه منجر شد. این قیام دارای آثار و پیامدهای زیادی در سطح منطقه‌ای بود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) سرکوب شدید عشایر لُر و نفر و اسکان اجباری آنان به دور از لارستان. ب) تضعیف بنیۀ اقتصادی منطقه لارستان با تداوم محرومیت اقتصادی و اجتماعی در منطقه لارستان و عدم توجه کافی به شرایط معیشتی و اقتصادی آنان، بی‌توجهی به وضعیت راه‌های ارتباطی لارستان تا از این طریق امکان مراودت اجتماعی و اقتصادی در منطقه به حداقل خود کاهش یابد، تشویق و ترغیب عشایر منطقه به مهاجرت از لارستان و به وجود آوردن شرایط حاد سیاسی جهت جلوگیری از فعالیت‌های معیشتی آنان. ج) تضعیف بنیۀ فرهنگی لارستان با به وجود آوردن زمینه‌های ایجاد فساد اخلاقی در منطقه از طریق گسترش مراکز ضد دینی و قرار دادن لارستان جزو مناطق تبعیدگاه در جنوب و تبلیغات منفی علیه مبارزین انقلابی لارستان، به‌طوری‌که شهدای لُر و نفر قبل از انقلاب به‌عنوان خیانت‌کاران معرفی شدند.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، ش ب، ۰۰۸۹۷۰۵۱، ۰۰۷۹۲۰۲۲، ۰۰۷۹۲۰۲۴.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش ب، ۲۲۰۰۱۲۲۰۲.

موسسۀ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس).

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کِمام).

بنیاد شهید شهرستان لارستان، پرونده شهدای پانزده خرداد ۱۳۴۲.

ب) کتاب

واکاوی قیام عشایر لارستان در پانزده خرداد ۱۳۴۲ (با تکیه بر عشایر لر و نفر)..... ۳۱

احمدلو، رسول، تاریخ تحولات ایل نفر (طایفه دولخانی، لر و نفر) در عصر پهلوی، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۳.

پیرنیا، باقر، گذر عمر (خاطرات سیاسی)، با مقدمه عبدالله شهبازی، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۲.

خلخال، صادق، خاطرات آیت الله خلخال، ج ۳، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۰.

خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۲.

دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا، بی تا.

رجبی، محمدحسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران: مؤسسه فرهنگی قبله، ۱۳۷۴.

رحیمی نژاد، کاظم، تاریخ معاصر لارستان، تهران: قلمکده، ۱۳۹۳.

روحانی، حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، تهران: دارالفکر، ۱۳۵۶.

روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، ج ۱، تهران: عروج، ۱۳۸۱، ج ۱۵.

زندگی نامه حضرت سید عبدالعلی آیت اللهی، لارستان: حوزه علمیه لارستان، ۱۳۸۹.

سیاهپور، کشواد، قیام عشایر جنوب (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۸.

سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.

مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹، ج ۳.

مستوفی، حمدالله، نزهت القلوب، تهران: افست، ۱۳۶۲.

نجفی، علی محمد، وقایع ایلات خمسه، تهران: نشر همسایه، ۱۳۸۰.

نصیری طیبی، منصور، انقلاب اسلامی در شیراز، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

وثوقی، باقر، آیت الله لاری و جنبش مشروطه خواهی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

وثوقی، باقر، زندگی و مبارزات آیت الله حاج سید عبدالعلی آیت اللهی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

وصاف الحضرة، تاریخ وصاف، به کوشش عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ تهران، ۱۳۴۶.

هدایت، صادق، اردشیر بابکان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۲.

ج) مقاله

عرفان منش، جلیل، «نهضت پانزده خرداد در استان فارس»، **مجله پانزده خرداد**، ش ۲۵، بهار ۱۳۷۶، صص ۳۲-۲۴.

د) روزنامه‌ها

روزنامه اطلاعات، شنبه ۲ خرداد ۱۳۴۳ شماره ۱۱۳۹۳.
روزنامه اطلاعات، دهم خردادماه ۱۳۴۳، شماره ۱۱۳۹۹.
روزنامه اطلاعات، ۱۱ خرداد ۱۳۴۳، شماره ۱۱۴۰۰.
هفته‌نامه میلاد لارستان، سال ۱۶، هفته سوم، شماره ۵۵۱، بهمن ۱۳۸۷.

هـ) مصاحبه‌ها

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، **مصاحبه با آیت‌الله سید عبدالعلی آیت‌اللهی**، ش ب ۱۴۳۰، ش ب ۱۴۲۹۰، جلسه اول، ش ب ۱۴۲۹۴، جلسه ۸، ش ب ۱۴۲۹۸، جلسه ۱۸، ش ب ۱۳۳۲۳.
مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، **مصاحبه با محمد کریمی**، جلسه ۱۶، ش ب ۱۴۲۹۷.
مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، **مصاحبه با منوچهر بیگلری**، ش ب ۱۴۱۴۳.
مصاحبه با اللهیار بیگلری، مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۰۴.
مصاحبه با اسماعیل بیگلری، جلسه اول، مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۸.
مصاحبه با آیت‌الله سید محمدحسین نسایی، مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۰۸.
مصاحبه با حسین آیت‌اللهی، مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۷.
مصاحبه با سید یحیی کاظمی، جلسه دوم، مورخ ۱۳۹۰/۳/۵.
مصاحبه با غضنفر بیگلری، مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۹.
مصاحبه با یدالله فولادی، جلسه اول، مورخه ۱۳۹۱/۵/۲۳.
مصاحبه با یدالله فولادی، جلسه دوم، مورخه ۱۳۹۱/۰۶/۰۱.

۰۷۹۱۰۴۲ از اداره دوم حائره کشور ایران موضوع عطف منبع تقریب		خیلی مجرمانه شماره بزرگ ارشاداران شماره ۴۸۷۷ (۲۲-۲۳) ۲۳ تاریخ وقوع تاریخ وصول خبر ۴۲/۲/۴۳ تاریخ گزارش ۴۲/۲/۴۳
اطلاعیه		
اعلامه ای چاپی بنام هیئت اله خدایی خطاب به مجتهدان در راه وسیله سید محمدعلی موسوی مجتهد لارستانی که خادان شرح نموده باشد. (حمله کاندوها و مامورین انتظامی دولت لارستان به معتمدین و شیعیان پاسبانها به مرکز روحانیت خاطرات مغبول را تجدید با این تفاوت که آنان به مملکت اجنبی حمله کردند لیکن اینها به علت سلطان خود در روز و اوقات امام صادق را تعسار حاجد شاه به مرکز امام صادق و دانشگاه امام زمان ریخته و با وضع کلیه تبعیض در محضر بیست و هزار نفر غارت نمودند و معاهد های طلاب و سا دانشزده پیشرو را از زند کشیدند و قرآن ها را باره باره کوفه تند خازل طلا را ساقطه و طلاب ارشادان مامورین لارستان روحانیت را تبدیل و در میان صوفی مامورین به روحانیت تا سزا میگویند یا شعار تا عهد و حتی بخت سات مذهبی امانت میکنند شا هد و حتی بعضی غارتگری هتک اسلام و جدا وز حقوق مسلمین - شا هد و حتی بعضی صریح زند به بکر قرآن و اسلام و صومعه استیضاح شاهدستی معنی کو بین رو حانیت و اضلال رسالت اخوان مرجع صلیبنداری برای شطیت در ایران هستند اداره مملکت بطور جنون امتز در جریان است و سپس در آن افانیه خطا به آقا ی نسبت وزیر میبند به چه مجوزی بود چه ملکنتی رفتارند در تعلیم الحال گردید در صورتیکه رفتارند در از ششتر شاه بود بیه میوزی مامورین که از بودجه ملت حقوق میگیرند برای رفتارند در شقی الزام خدمت را داشتند تا در حمله به بازار تهران - ظارت تم استیاز به مدرسه خیمه کنن کاری طلاب و صوفی آنان دخالت نمایند اکبرین مک چشم مسلمین بر دنیا ی خود و چشم دیگرشان و درین خود کجاست است و ملکنتاز هر چه بهت در شرف سقوط است) تحریک دو طالبه لر و نفر وسیله حاج شاه مجوزا و لخواهی بدستور میبند مذکور و حاجی با فر حضوری و اخلاص صورت گرفته و بروز سارتین مسلح وسیله روسای دو طالبه مزبور انجام گرفته و ممکن است ناامنی در راهها ایجاد نمایند - و گیرنده سازمان اخلاصات و امنیت کشور در رتبه دیگر آمده است - این نامه با تکیه بر عشایر لر و نفر خیلی مجرمانه شماره ۴۸۷۷ (۲۲-۲۳) ۲۳		

نامه امام خمینی به مجتهدان لار و لزوم قیام در برابر دولت پهلوی
(آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

حیل و مانه
 طبقه بندی حفاظتی

۰۰۸۹۷۰۵۱
 درجه فوریت

مزارش خبر ۷ - منبع - ۴۰۴/۱۲۶ ۸ - منشأ - کمیته ۹ - تاریخ وقوع - ۱۳۴۲/۱/۱۰ ۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع - ۱۳۴۲/۱/۱۰ ۱۱ - تاریخ رسیدن خبر برهبر علیات - ۱۳۴۲/۱/۱۰ محل - ۱۳۴۲/۱/۱۰ ۱۲ - ملاحظات حفاظتی	نسخه شماره از نسخه ۱ - به ۷۲۲ ۲ - از ۴۴۴ ۳ - شماره گزارش ۴۴۴/۱۲۶۶۹ ۴ - تاریخ گزارش ۱۳۴۲/۱/۱۰ ۵ - پیوست ۶ - گیرندگان خبر ۴۴۴ - ۴۴۴
---	---

موضوع: **ارستار گفتاوی برای خمینی** مطف

مردم شهرستان لارستان مخالفی وجه جهت گفتا به خمینی

جمع آوری نموده و به دوسی فرستاده اند و دوسی

تاکنون معلوم نشده که این بول برای خمینی فرستاده شده

یا خیر.

تاریخ رهبر علیات: با توجه به گزارشات واصله پیرامون فعالیت لاریها

در دوسی و صحت خبر فوق بعید بنظر نمی رسد و ضمناً هرگونه خبر و

در این مورد بموقع اعلام خواهد شد.

تاریخ رهبر بخش: صحت خبر بعید نیست.

تاریخ رهبر سازمان اطلاعات و امنیت هرمزگان: تاریخ رهبر بخش مورد

تأیید است.

سازمان اطلاعات
 آرشو
 اسناد و مدارک
 شماره ۵۱

طبقه بندی حفاظتی
 ۱۳۴۲/۱/۱۰

۱۳۴۲-۴۴۴
 ۱۳۴۲-۴۴۴

۳۶ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱